

**هیچ ورودی فهرست مطالب یافت نشد.**

**موضوع**: تعارض امارتین /تعارض /تعادل و تراجیح

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مقتضای اصل اولی در متعارضین بود. مرحوم آخوند اگر چه در مدلول مطابقی اصل را تساقط دانستند؛ اما در مدلول التزامی آنها به حجیت احدهما مردد معتقد شده و بر اساس آن حکم ثالث را نفی کرد.

ظاهر کلام مرحوم آخوند در حاشیه رسائل این است که حتی در مدلول مطابقی به حجیت احدهما مردد قائل شده است و فرموده‌ اند: حجیت هر دو به خاطر علم به کذب هر دو ممکن نیست؛ ولی حجیت احدهما مانعی ندارد؛ بنابر این دلیل حجیت شامل احدهما مردد می‌شود اما در مدلول مطابقی به جهت محذور فرد مردد، قابل اخذ نیست و نسبت به مدلول التزامی این مشکل هم وجود ندارد.

آنچه در حاشیه رسائل فرموده‌اند با آنچه در کفایه است، متفاوت می باشد؛ هرچند بتوان آنها را به مطلب واحد برگرداند اما ظاهر کفایه این است که جعل حجیت برای احدهما مردد به لحاظ مدلول مطابقی ممکن نیست؛ زیرا مقتضی حجیت در آن وجود ندارد.

از ان چه گذشت روشن شد که بیان اول برای نفی ثالث همین بیان مرحوم آخوند است و به نظر ما هم بیان تمامی بود هر چند مرحوم خویی[[1]](#footnote-1) و اصفهانی و شهید صدر[[2]](#footnote-2) و ... کلام مرحوم آخوند را نپذیرفتند و حجیت فرد مردد را نسبت به مدلول مطابقی و نسبت به نفی ثالث نمی پذیرند.

مرحوم آخوند می فرمایند: مفاد دلیل حجیت، حجیت هر خبری است و احد الخبرین نیز خبر است و مشمول عنوان می شود و دو مفاد و اثر دارد، یکی مفاد خبر در مدلول مطابقی و لزوم عمل طبق آن و یکی تصدیق به واقعی بودن، که لازمه ی واقعی بودن، نفی غیر است .

البته اکثر فقها حجیت احدهما را به جهت عدم امکان التزام به حجیت متعینه و یا مردده، در مدلول مطابقی نپذیرفتند؛ اما مرحوم آخوند تعبد به یکی از دو خبر به عنوان واقع به لحاظ نفی ثالث \_ به معنای این که عمل به غیر ازآن نکن\_ ممکن است.

# کلام مرحوم نایینی در حجیت هر دو خبر نسبت به مدلول التزامی[[3]](#footnote-3)

مرحوم نایینی برای نفی ثالث فرموده اند: نفی ثالث به سبب هر دو خبر ممکن است زیرا هر دلیلی دو دلالت دارد مدلول مطابقی و مدلول التزامی و از آنجا که تعارض، فقط در مدلول مطابقی است پس جعل حجیت برای آن ممکن نیست، اما وجهی برای عدم حجیت نسبت به مدلول التزامی وجود ندارد زیرا حجیت مدلول التزامی منوط به حجیت مدلول مطابقی نیست؛ بلکه منوط به تحقق ذات مدلول مطابقی است پس اگر مدلول مطابقی شکل بگیرد، مدلول التزامی شکل گرفته و چون تعارضی در مدلول التزامی وجود ندارد، مدلول التزمی هر دو خبر حجت می شود.

طبق این بیان از محقق نایینی، اشکالات فرد مردد که در کلام مرحوم آخوند وجود داشت، به ایشان وارد نمی شود؛ زیرا ایشان مدلول التزامی هر دو خبر را حجت می دانند.

## مناقشه مرحوم خویی در کلام محقق نائینی[[4]](#footnote-4)

مدلول التزامی در حجیت نیز تابع حجیت مدلول مطابقی است نه تابع وجود آن و اشکال نقضی و حلی به محقق نائینی وارد است.

اشکالات نقضی:

1. اگر بینه به ملاقات چیزی با خون شهادت دهد در حالی که یقین به کذب آن وجود دارد مانند اینکه مطمئنیم ملاقات با جوهر بوده و بینه اشتباه می کرده است؛ هر چند که احتمال نجاست به سبب دیگری وجود دارد، طبق نظر همه فقها نجاست آن شی ثابت نمی شود در حالی که لازمه ی کلام مرحوم نایینی این است که مدلول التزامی ملاقات با خون، که نجاست آن است ثابت شود؛ زیرا یقین به کذب مدلول التزامی بینه که نجاست آن شیء است، وجود ندارد .
2. اگر بینه به ملکیت خانه برای زید و بینه ی دیگر شهادت به ملکیت آن خانه برای عمرو بدهد، طبق نظر همه فقها دو بینه تساقط می کنند ولذا ملکیت خانه از ذوالید خارج نمی شود در حالی که طبق نظر محقق نایینی مدلول التزامی هر دو بینه که نفی ملکیت ذو الید است ، حجت بوده و لذا ملکیت از ذوالید گرفته می شود.
3. اگر یک عادل، شهادت به ملکیت خانه برای زید و شاهد واحد دیگری به ملکیت خانه برای عمرو شهادت بدهد، طبق نظر هیچ یک از فقها ملکیت از ذوالید خارج نمی شود زیرا شهادت هر یک علاوه بر تعارض، مقتضی حجیت را هم ندارند؛ در حالی که طبق نظر محقق نایینی هر دو شاهد، با مدلول التزامی کلام خود، شهادت بر مالک نبودن ذوالید داده اند پس دو شاهد بر مالک نبودن ذوالید اقامه شده که تعارضی در آن وجود ندارد و حجت است.
4. اگر بینه به ملکیت خانه برای زید شهادت داد؛ ولی زید اعتراف کرد که خانه برای او نیست طبق نظر هیچ یک از فقها ملکیت خانه از ذوالید گرفته نمی شود؛ ولی طبق نظر محقق نایینی هر چند مدلول مطابقی بینه به جهت اقرار بر خلاف، حجت نیست؛ اما مدلول التزامی بینه که نفی مالکیت غیر از زید است حجت بوده پس ملکیت از ذوالید گرفته می شود.

لازمه کلام محقق نایینی اموری است که هیچ یک از فقها به آن ملتزم نیست و نقض هایی که بر ایشان وارد می شود منحصر در این چهار مورد نبوده و موارد متعددی مانند این چهار مورد وجود دارد ؛ مانند اینکه بینه ای شهادت به مسموم کردن زید توسط عمرو و بینه دیگر شهادت به خفه شدن زید توسط عمرو بدهد ، به نظر تمامی فقها قاتل بودن عمرو ثابت نمی شود در حالی که طبق نظر محقق نایینی لازمه شهادت این دو بینه که قتل زید توسط عمرو است، اثبات می شود.

اشکال حلی:

نکته عدم حجیت مدلول التزامی در این موارد، این است که مدلول التزامی لازم مطلق نیست تا اینکه با اسقاط مدلول مطابقی، مدلول التزامی باقی بماند بلکه مدلول التزامی، لازم همان حصه ی مدلول مطابقی است و با سقوط مدلول مطابقی ساقط می شود به خلاف مدلول تضمنی که حجیت آن ملازم با حجیت مدلول مطابقی نیست زیرا مدلول مطابقی منحل به مدالیل تضمنی است؛ ولی مدلول التزامی خصوص حصه که مقارن با مدلول مطابقی است که با انتفاء مدلول مطابقی آن نیز منتفی می شود.

شاهد این بیان این است که اگر به بینه گفته شود، مدلول مطابقی کلامش کاذب است، نسبت به مدلول مطابقی نیز شهادتی نخواهد داشت.

1. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص367.](http://lib.eshia.ir/13046/3/367/استفید) [↑](#footnote-ref-1)
2. [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج7، ص258.](http://lib.eshia.ir/13064/7/258/نظریه%20نفی) [↑](#footnote-ref-2)
3. [فوائد الاصول، محقق نایینی، ج4، ص755.](http://lib.eshia.ir/13102/4/755/خصوص) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص368.](http://lib.eshia.ir/13046/3/368/فنجیب) [↑](#footnote-ref-4)